دیدگاه

میان تاب‌آوری و ضرورت اصلاح ساختارها



تهیه و تنظیم: مینا بیانی

مهدی جعفری- مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره شرکت نساجی الگانت و نایب رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان سمنان

سال گذشته برای صنعت نساجی، سالی سخت و دشوار بود؛ در سالی که گذشت این صنعت بیش از هر زمان دیگر، توان تاب‌آوری خود را نشان داد و همزمان نیاز فوری به اصلاح برخی سیاست‌ها و زیرساخت‌ها را یادآوری کرد.

نساجی ایران که همواره از صنایع ریشه‌دار، اشتغال‌زا و دارای پیوند عمیق با اقتصاد خانوار و بازار داخلی بوده، در این سال با مجموعه‌ای از فشارهای هم‌زمان مواجه شد؛ فشارهایی که بخشی از آن ناشی از شرایط کلان اقتصادی و بخشی دیگر حاصل ناهماهنگی‌های اجرایی در داخل بود این صنعت به دلیل ارتباط تنگاتنگ با انسان به شدت متاثر از حالات روحی و روانی جامعه و همچنین اقتصاد خانواده می باشد.

نوسانات ارزی و دشواری دسترسی به منابع مالی و ارزی و همچنین تلاطمات بازار از تامین مواد اولیه گرفته تا فروش و مصرف، برنامه‌ریزی تولید را برای بسیاری از واحدها با عدم قطعیت همراه کرد. تولیدکننده‌ای که باید بتواند چند ماه جلوتر برای تأمین مواد اولیه، فروش و حتی صادرات تصمیم بگیرد، ناچار بود هر روز خود را با شرایط تازه‌ای تطبیق دهد. این وضعیت، هزینه تصمیم‌گیری را بالا برد و سرعت توسعه را کاهش داد.

از سوی دیگر، مسئله تأمین انرژی و ناترازی‌های در تامین سوخت نیز بر روند تولید اثر گذاشت. تغییر در برنامه‌های کاری، کاهش راندمان خطوط، خرابی قطعات و افزایش هزینه‌های عملیاتی، مسائلی بودند که واحدهای تولیدی ناگزیر از تحمل آن شدند. با این حال، بسیاری از بنگاه‌ها تلاش کردند با حفظ نیروی انسانی و استمرار تولید، از تبدیل این فشارها به رکود کامل جلوگیری کنند؛ اقدامی که نشان‌دهنده مسئولیت‌پذیری اجتماعی صنعتگران این حوزه است.

در حوزه سیاست‌گذاری نیز، صنعت نساجی در سال گذشته بیش از هر چیز نیاز به توجه در سطوح کلان و تصمیم گیری معطوف به تولید را احساس کرد. فزونی رویه‌ها، سامانه‌ها و فرایندهای اداری، زمان و انرژی قابل توجهی از مدیران صنعتی گرفت؛ در حالی‌که انتظار می‌رفت ابزارهای دیجیتال به تسهیل امور کمک کنند، نه اینکه به لایه‌ای تازه از پیچیدگی تبدیل شوند.

تجربه سال گذشته نشان داد که یکپارچه‌سازی فرایندها و اعتماد بیشتر به بنگاه‌های تولیدی، می‌تواند به‌مراتب مؤثرتر از افزایش کنترل‌های پراکنده باشد..

هم‌زمان، موضوع قاچاق نیز از جمله مباحث مهم سال گذشته بود.

فعالان این صنعت بارها تأکید کردند که واردات، اگر هدفمند و رسمی و مکمل تولید باشد، می‌تواند به ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری کمک کند؛ اما در صورت نبود سیاست‌گذاری دقیق، می‌تواند به تضعیف ظرفیت‌های داخلی منجر شود.

ایجاد تعادل میان حمایت از تولید و مدیریت بازار، همچنان یکی از مهم‌ترین وظایف سیاست‌گذار باقی مانده است.

با وجود همه این چالش‌ها، صنعت نساجی در سالی که گذشت نشان داد که هنوز یکی از ستون‌های پایدار اشتغال و ارزش‌آفرینی در کشور است. بسیاری از واحدها به سمت بهبود بهره‌وری، استفاده از فناوری‌های جدید، و توسعه بازارهای منطقه‌ای و تطبیق خود با شرایط بی ثابت اقتصادی حرکت و ثابت کردند که اگر فضای پیش‌بینی‌پذیرتری فراهم شود، این صنعت ظرفیت جهش دارد.

جمع‌بندی تجربه این سال را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: نساجی ایران بیش از آنکه نیازمند حمایت مقطعی باشد، نیازمند حمایت های ساختاری، سیاست‌های پایدار، ساده‌سازی محیط کسب‌وکار و نگاه توسعه‌محور است.

اگر در سال‌های پیش رو، ثبات در تصمیمات اقتصادی، تسهیل فرایندهای اجرایی، و جهت‌دهی منابع به سمت نوسازی و رقابت‌پذیری در دستور کار قرار گیرد، صنعت نساجی می‌تواند بار دیگر جایگاه تاریخی خود را در اقتصاد ملی و بازارهای منطقه‌ای تثبیت کند؛ جایگاهی که نه صرفاً یک هدف صنعتی، بلکه بخشی از هویت تولیدی کشور است.